

## سرمقاله

## ■ ■ ■ مستأجر خدا میهمان نمی خواهد

سال سوم دبیرستان بعد از مدرسه یک راست می رفتیم مسجد رو بروی دانشگاه آزاد. با دوچرخه، دو ترکه، نیم ساعتی راه بود! اگر صبح از خانه ناهار برداشته بودیم که هیچ وگرنه توی راه دو تا ماست موسیر و نان سنگک دو آتشی خرج ناهار ظهرمان می شد. کلید مسجد را داشتیم. طبقه ی بالای مسجد سالن بسیار بزرگی بود که بخشی از روز را ما مستأجرش شده بودیم، مستأجر خانه خدا. مستأجر خانه خدا شدن هم مزایایی دارد هم معایبی! مزایایش این است که صاحب خانه کریم و است و نقل اجاره بها بین مستأجر و صاب خانه نیست. معایبش هم این است که صاحب خانه کریم است و دست رد به سینه هیچ کس نمی زند! نقل معروفی است که میهمان روی میهمان نمی تواند ببیند و صاحب خانه هر دو را. این خانه اما صاحب خانه اش کریم بود. صاحب خانه اش کریم بود ولی میهمانانش که ما باشیم نه. دست بر قضا روزی میهمان داشتیم.

بعد از نماز ظهر مسئول فرهنگی مسجد به ما گفت که امروز ظهر خانم فاطمه رجبی ۱ این جا سخنرانی دارند. گفت که جلسه دانشجویی است و می خواهند بیایند به احمدی نژاد ناسزا و بد و بیراه بگویند. این ها را گفت و توصیه کرد که در مسجد را ببندیم و نگذاریم بیایند داخل. ما را می گویی رگ گردنمان به قاعده یک کف دست زد بیرون که: به چه حقی می خواهند بیایند به احمدی نژاد ناسزا بگویند مگر ما می گذاریم. خوب یادم هست که آن روز ها از احزاب و اشخاص و رجل سیاسی تقریباً هیچ کس را درست و حسابی نمی شناختیم. مطالعاتمان بیش تر درباره کلیات بود و اصول. سرگرم فروع سیاست نبودیم. تازه در قاموس واژگان سیاسی خود به عدالت می اندیشیدیم و احمدی نژاد خلاصه شعارش عدالت بود. دیگر خانم رجبی را نمی شناختیم که مواضعشان درباره احمدی نژاد چگونه است.

احمدی نژاد را خیلی بیش تر از آن چیزی که تصورش را کنید دوست داشتیم. گفتیم مگر ما می گذاریم کسی به احمدی نژاد ناسزا بگوید. درب مسجد را قفل کردیم. پشتش یک میز بزرگ و سنگین گذاشتیم. میز زیر دستگیره در قرار

و جریان های حاضر در انتخابات را در این نشریه به چاپ رسانند. بدیهی است که مقالات نظرات نویسندگانشان را درباره موضوعات نگارش یافته انعکاس خواهند داد و سایر دانشجویان نیز قادر خواهند بود که در شماره های بعد، به نگارش نقد مقاله های پیشین مبادرت ورزند.

تذکر این نکته ضروری است که همه افراد با شخصیت حقیقی خود قادر به چاپ مقاله خواهند بود و نشریه از چاپ مقالات افراد با شخصیت حقوقی شان معذور می باشد. امید است با فضای آزاد اندیشه و عدالت رسانه ای برای چاپ مقالات همه دانشجویان در نشریه سهم خود را در انتخاب نامزد اصلاح توسط دانشجویان، در راستای وظایف ذاتی بسیج دانشجویی ایفا نماییم.

پ ن ۱: خانم فاطمه رجبی همسر مکرمه دکتر الهام هستند که حمایت های صریح ایشان از آقای رئیس جمهور تقریباً بی رقیب و بی بدیل است!

**بعد از نماز ظهر مسئول فرهنگی مسجد به ما گفت که امروز ظهر خانم فاطمه رجبی**

**این جا سخنرانی دارند. گفت که جلسه دانشجویی است و می خواهند بیایند به احمدی**

**نژاد ناسزا و بد و بیراه بگویند. این ها را گفت و توصیه کرد که در مسجد را ببندیم و**

**نگذاریم بیایند داخل ....**

پ ن ۲: غیر از ما افراد دیگری هم کلید مسجد را داشتند من جمله عاقله مردی حدوداً پنجاه ساله که هر روز حوالی بعد از ظهر کلید می انداخت؛ درب مسجد را باز می کرد و پس از تجدید وضو و خواندن نماز مسجد را ترک می کرد. ما که پس از فتح بزرگ خود گرم درس خواندن شده و از وی فراموش کرده بودیم با بلند شدن سر و صدای مهیبی از در مسجد پله ها را دو تا یکی پریدیم پایین. منظره خنده داری بود پیرمرد با چنان قدرتی دستگیره را چرخانده بود که دستگیره از این طرف شکسته و در باز شده بود سپس با شکمش که اگر اشتباه نکنم چهار برابر شکم من بود! میز را هل داده جاروی های ستون شده را انداخته و در را باز کرده بود!

**سید احمد علوی (مکانیک ۸۸)**

اصلی اصلاح طلبان برای ورود به انتخابات دانست. این در حالی است که سناریوی تحت فشار گذاشتن نظام از طریق در بوق و کرنا کردن کاندیداتوری محمد خاتمی و پس از آن اجماع بر سر آقای هاشمی نیز محتمل است.

**البته برخی تحلیل گران نیز معتقدند حضور حسن روحانی در انتخابات صرفاً یک بازی سیاسی برای مشغول کردن اذهان است و حجت الاسلام هاشمی خود را برای ورود به انتخابات آماده کرده است**

اما فارغ از تمام تحلیل ها و تفاسیر، سوالی که در این میان پاسخی برای آن وجود ندارد، این است که آقای خاتمی و هم قطارانش مگر ۴ سال پیش با ادعای کذب تقلب سعی در زیر سوال بردن مشروعیت نظام نداشتند؟ آیا نظام اسلامی دچار استحاله شده و یا حداقل یکی از شروط اصلاح طلبان را پذیرفته است که این روزها آقای خاتمی از دلسوزی برای نظام و انقلاب ناله سر می دهد؟

**ادامه در صفحه ۶**

گرفته بود و اجازه چرخیدن به دستگیره نمی داد. حتی اگر قفل در شکسته هم می شد باز میز آن قدر سنگین بود که در به راحتی باز نشود. برای ضریب اطمینان طراحی هم از حس مهندسی ذاتی خود دو عدد جارو را ستون درب مسجد کردیم. حالا شده بود هفت خوان رستم. بعد رفتیم طبقه بالا تا از پنجره قیافه ی آدم های دماغ سوخته را برانداز کنیم. کم کم پیدایشان شد. خیلی صبر نکردند. حریف قدری برای هفت خوان رستم ما نبودند و همان اول کار شکست را پذیرفتند ۲ خصوصاً وقتی که با همان مسئول فرهنگی مسجد تماس گرفتند و ایشان هم ساز ناسازگاری زد. در یک مدیریت بحران سریع، اگر اشتباه نکنم نزدیک ترین خانه یکی از خودشان را محل جلسه قرار دادند. بعداً وقتی به خانه باز می گشتیم مقوایی را آویزان از چنار های خیابان استاد یوسفی دیدیم که با علامت خیابان یکطرفه با متن «جلسه خانم رجبی به آدرس ... انتقال یافت» حضار را به مکان جدید

راهنمایی می کردند.

چند روز پیش که نقلی از دکتر الهام شد یادآوری این خاطره قلقلکی شد تا دوباره آن روز ها را از خاطر بگذرانم. ان شاء ... آن دوستانی که برنامه شان خراب شد، مستأجران خانه خدا را به احترام صاحب خانه خواهند بخشید اما عرض از نقل این خاطره آن بود که از لزوم شناخت و معرفت گفته شود. از این که عدم شناخت دقیق هر موضوع، عملی به دنبال خواهد آورد که غایت آن در تضاد با اغراض و اهداف ما خواهد بود. بر آن شدیم تا در نشریات بسیج دانشجویی این فرصت را در اختیار نویسندگان مختلف قرار دهیم تا با نگارش مقالات تبیینی در خصوص احزاب و نامزد های حاضر در انتخابات ریاست جمهوری به شناخت بیش تر این جریانات و اشخاص به دانشجویان قدیمی هرچند کوتاه برداشته باشیم. هم چنین بسیج دانشجویی از تمام دانشجویان دعوت به عمل می آورد تا در صورت تمایل، مقالات تبیینی خود در رابطه با نامزدها

اخذ کنند، با شرکت چشم گیر مردم در انتخابات، این حربه را نیز همچون بسیاری از ترفند هایشان برای زیر فشار گذاشتن نظام شکست خورده دیدند. آنها امروز که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم، با وجود اینکه ذره ای از شروط شان از جانب حکومت پذیرفته نشده و همچنین ساختار برگزاری انتخابات دستخوش تغییر نگردیده

است، عزم خود را برای ورود به انتخابات جزم کرده اند. در لیست کاندیداهای احتمالی اصلاح طلبان، افرادی مانند محمد رضا عارف، محمد علی نجفی، مصطفی کواکبیان، حسین کمالی، اسحاق جهانگیری، حسن روحانی و ... وجود دارند. در این بین نتایج آخرین جلسات اصلاح طلبان حاکی از آن است که محمد خاتمی که شانس تایید صلاحیت و همچنین رأی آوری خود را ضعیف می بیند به همراه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی که ایشان نیز به دلایل گوناگون از جمله عدم مقبولیت فعلاً قید حضور در انتخابات را زده است (۱)، بر روی یک گزینه حداقلی یعنی اسحاق جهانگیری وزیر صنایع و معادن دوران اصلاحات اجماع کرده اند و محمد خاتمی نیز در تلاش است محمد رضا عارف را از کاندیداتوری منصرف کند. همچنین از محمد علی نجفی هم خبر می رسد که احتمالاً از نامزدی در انتخابات انصراف دهد. بنابراین اصلاح طلبان در حال حاضر به یک اجماع نسبی رسیده اند که اگر تا روز انتخابات اتفاق خاصی در پیش نباشد، اسحاق جهانگیری را می توان گزینه

## ■ ■ ■ آخرین آرایش انتخاباتی جریان های سیاسی

**مهدی فاضل (کامپیوتر ۹۱)**

آرایش انتخاباتی جریان های سیاسی، روز به روز و با نزدیک تر شدن به موعد ثبت نام کاندیدا ها، سر و شکل منسجم تری به خود می گیرد. در این بین برخی جریان ها، نامزد مورد نظر خود را معرفی کرده و یا مشغول رایزنی هستند و بعضی دیگر چشم به نظرسنجی ها دوخته اند. در این مقال سعی شده است با توجه به فضای سیاسی حاضر، آرایش انتخاباتی جریان ها و احزاب مختلف را به صورت اجمالی بررسی شود. البته لازم به ذکر است که این آرایش انتخاباتی در روز های آتی قطعاً دستخوش تغییراتی خواهد شد.

## اصلاح طلبان

اصلاح طلبان که در انتخابات مجلس نهم و پس از عدم پذیرش شروط شان از جانب نظام اسلامی، با استراتژی تحریم انتخابات، سعی داشتند تا با کاهش شور سیاسی و ایضا کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات، امتیازات مورد نظر خود را از حاکمیت

از بی انصافی‌هایی که مکرراً در حق برخی دولت‌ها و کارگزاران آن روا داشته می‌شود این است که گاهی عده‌ای انسان ناآگاه و بعضاً کم‌سواد، حسن‌ها و نقاط قوت آن دولت را به کل، کناری گذارده و تنها به ضعف‌ها و فرودهای آن توجه می‌کنند و بی‌مورد از سیاه و غبار آلود بودن فضا در آن دوران دم می‌زنند؛ دولت آقای خاتمی نیز بالطبع از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. اما این کوتاه‌نویس، در تلاش است تا نقاط قوت و درخشان‌فراوانی را که در کارنامه هشت ساله دولت اصلاحات ثبت است در حد توان خویش بازگو نماید تا به نوعی از زحمات و کوشش‌های شبانه‌روزی دولتمردان آن در جهت رشد و شکوفایی کشور کمال تشکر و قدردانی به عمل آید.

از محسنات دولت آقای خاتمی که نظیر آن در دیگر دولت‌ها کمتر مشاهده گردیده است بحث اجرای عملی برخی شعارهای سرداده شده توسط ایشان بوده است. از شعارهای اصلی دولت موسوم به اصلاحات شعار «توسعه سیاسی» بود که حقیقتاً اجرای کامل آن فواید فراوانی برای ملت و کشور به ارمغان آورد. محور قرار گرفتن این مبحث تحولاتی بسیار از جمله «گشایش بی‌رویه فضای سیاسی کشور» را در پی داشت، که مسبب آن شد افرادی نفوذی و اشخاصی که در سلامت سیاسی و دینی آنها تردیدهای بسیاری وجود داشت در لایه‌های میانی و درونی نظام رخنه کنند که البته همان افراد ناآگاه و کم‌سواد و متوهمان همیشگی توطئه که در ابتدای مطلب مورد اشاره قرار گرفت با بدینی مفرط این روند را عاملی برای تهدید وحدت و امنیت ملی می‌دانستند. اما واقع قضیه این است که سید محمد خاتمی با هوشیاری تمام با ایجاد بستری مناسب، یکی از اهداف مهم انقلاب یعنی جذب افراد مختلف را با ظرفیتی عجیب به انجام رساند؛ به طوری که به گفته یکی از همین اصلاح‌طلبان «از گوگوش تا سروش» در این جبهه حضور داشته‌اند. اصولاً همین حرکت بود که صاحبان

اندیشه‌های شبه‌روشنفکری را به تغییر میانی سیاسی نظام امیدوار کرد و این توهم را برای آنان به وجود آورد که اکنون زمان تحقق تئوری‌ها و رسیدن به آمال دست‌نیافتنی‌شان فرا رسیده است. اما با کمال تأسف پس از دولت اصلاحات، نظام با بی‌تدبیری تمام، افرادی را که برای براندازی! خویش به آنها نیازمند بود مجدداً از خود روی گردان نمود و مقوله غم‌انگیز ریزش‌های انقلاب را به صورت ویژه‌تر بر سر زبان دلسوزان نظام جاری ساخت!

مبحث توسعه سیاسی لوازمی را برای محقق شدن نیاز داشت که از این منظر «رشد کمی مطبوعات و جراید» به عنوان رکن چهارم دموکراسی و شرط لازم توسعه سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار بود. دولت اصلاحات برای رسیدن به



مقاصد بلند و آرمان‌گرایانه خود و چوب حراج زدن بر عزت و حیثیت نظام و خدشه دار کردن اعتقادات مقدس دینی و مذهبی مردم از این ماموریت دشوار نیز سربلند بیرون آمد؛ رشد فزاینده مطبوعات در این دوره و منقش شدن پیشخوان‌های مطبوعاتی به وسیله صدها مطبوعه رنگارنگ نشان می‌داد اصلاح‌طلبان باز هم موفق شده‌اند برگ زرینی دیگر بر کارنامه درخشان و پرمایه خود بیفزایند، این موفقیت با مطرح نمودن این حقیقت که رعایت اخلاق مطبوعاتی، هنجارهای جامعه و خطوط قرمز آن تماماً در این دوره به هیچ‌انگاشته شده بودند تحسین هر جنبنده‌ای را برمی‌انگیزاند.

آزادی و بازدهی! مطبوعات در آن دوره و رشد قارچ‌گونه بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی، همچنین باز شدن فضا برای ورود و فعالیت جریان‌های تجدید نظر طلبانه و ساختار شکنانه در جغرافیای سیاسی کشور، دستمایه‌ای برای هتاک و حملات مختلف علیه ساحت مقدس اسلام عزیز و شلیک به نقاط کانونی اعتقادات اسلامی قرار گرفت، چنانکه پنداشته بودند با این دست اعمال می‌توان طومار سیاسی نظام را در هم پیچید. در هنگامه‌ای که دین به عنوان ملاک عمل جامعه اسلامی به راحتی مورد خدشه قرار می‌گرفت؛ چه ایرادی وجود داشت تا اصل مقدس ولایت مطلقه فقیه با تکیه بر فضای هیجان‌زده آن روزها مورد حملات متعدد و بی‌درپی، به یاری افرادی زخم‌خورده از نتایج رفتارهای افراطی گذشته خویش قرار گیرد.

اکبر گنجی از چهره‌های بسیار خوشنام این جریان، در اجتماعی از سوی انجمن اسلامی دانشکده علوم دانشگاه شیراز بیان داشت: «ما احتیاج به رهبر نداریم. مگر مردم ما یتیمند که پدر بخواهند. فاشیست‌ها به دنبال پدر می‌گردند... ما از ولایت که حرف می‌زنیم مثل این است که بگوییم در زمین خدایان متعددی داشته باشیم... با رهبریت می‌خواهند کل جوامع بشری را از بین ببرند. این‌ها رهبر اسلام را به همه تحمیل می‌کنند؛ تحمیل جبارانه. خدمتگزاری قدرت جباری که در راس قدرت قرار گرفته است. همه چیز در پیشوا یعنی هیتلر ذوب می‌شود.» (قابل توجه این که ایشان در زمان حکومت حکومت همین هیتلر جبار! «نعوذ بالله»، که از متحمل کردن رهبریتش فغان سرداده، چنین وراجی‌هایی ایراد کرده است) این آزادی و عدم محدودیت نه تنها گفتار بلکه نوشتار را نیز در بر گرفته بود. به عنوان مثال متن زیر قسمتی کوتاه از نشریه‌ای

دانشجویی در دوران اصلاحات می‌باشد: «..... با..... در..... است..... (!) مجدداً باید در اینجا هوش و ذکاوت سید و یارانش را تحسین نمایم که این آزادی را به صورت عمومی (فله ای) در اختیار هر تفکر و جناحی قرار ندادند بلکه کاملاً به صورت یک سویه در اختیار تفکرات تجدید نظر طلبانه، ضد نظام اسلامی و ضد اسلام یا لاقبل غیر همسو با اینان قرار دادند تا منویات درونی و مکنونات قلبی و اراجیفات فروخورده چندین ساله خود را بدون هیچ‌گونه محدودیت و ترسی در مجامع مختلف و مطبوعات متنوع با کمال آرامش و اطمینان خاطر قی نمایند. در صورتی که اکنون با محدودیت و قید‌های فراوان و فشارهای بسیار حتی نمی‌توان همین متن منتشر شده در یکی از نشریات دانشجویی را در حالی که روابط طبیعی بین دو جنس مخالف را به طور بی‌پرده و کاملاً معمولی! به تصویر کشیده بود به چاپ رساند.

دانشگاه و فضای دانشجویی هم که بسیار پر شور و پر حرارت در جریان بود (طبق گفته خانم معصومه الف در یکی از برنامه‌های تلویزیونی اخیر)، مگر شخصی قادر بود اعتراض کند یا دولت و عملکرد خیلی قابل قبول آن را نقد کند یا از تفکرات دینی و انقلابی (تفکرات متحجرانه!) خود دفاع کند؟ طبق بررسی‌های کارشناسی! انجام گرفته شده فقط چند نفر در یکی از مراسمات دانشجویی با حضور رئیس دولت این قصد شوم را داشته‌اند که با تهدید عجیب آقای رئیس، جان گرمی را حفظ کرده و خاموش شدند؛ شاید آنها در همان لحظه قضایای برخی از دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه اهواز که تنها به جرم اصلاح طلب نبودن یا همکاری وزیر وقت علوم (جناب آقای معین) و مسئولان خدمت دانشگاه از تحصیل محروم شدند را به خاطر شریف آورده بودند که چنین تصمیم‌آنی و عاقلانه‌ای اتخاذ کردند.

جوهر کلام بنده و حسن ختام این وجیزه این است که مگر دولت اصلاحات چه کوتاهی و قصوری مرتکب شده که باید مورد انتقاد قرار بگیرد؟ اصلاح‌طلبان که بند بند ماموریت نامه خود را به خوبی اجرا می‌کردند، دستورات و اوامر آقای جین شارپ هم همانطور که دستور داده بودند مو به مو در حال انجام بود، کشورمان را هم که عزتمندان، دودستی می‌خواستند تقدیم آمریکا کنند (که خود آمریکا تعارف کرد و قبول نکرد!)؛ تمام جریان‌ها و نهاد‌های مضر برای کشور! مانند سپاه و بسیج که بار اصلی انقلاب و نظام را با وجود تمام ناملازمات به دوش می‌کشیدند (و می‌کشند) را نیز که مورد انواع هجمه‌ها و حملات قرار می‌دادند؛ با تمام ابزارهای ممکن قصد مخدوش کردن جایگاه رهبری عزیز و تنزل مقام والای ایشان نزد افکار عمومی را داشتند؛ و جدا از همه این موارد مردم رنج دیده از پاره‌ای تبعیضها، بی‌عدالتی‌ها و دلزده از نگرش‌های افراطی کارگزاران دولت سازندگی به مقوله توسعه اقتصادی را با شعار پرجاذبه اصلاحات فریب و حیلت داده و با محقق شدن آمال و تکیه زدن بر مناصب دولتی، اصلاحاتی انحرافی، ناروا و تجدید نظر طلبانه و به یک بیان اصلاحات آمریکایی را در عمل پیاده نمودند. به نظر من که هیچ کوتاهی از جانب اصلاح‌طلبان اعمال نشده است که شایسته اعتراض و توبیخ باشند آنها تمام وظایف خود را در حد ظرفیت و توان خویش به خوبی به انجام رسانیدند و نگارنده قطعاً به آنها نمره قبولی خواهد داد و کماکان عقیده دارد نباید تنها به سیاه‌نمایی دُول دست زد بلکه می‌توان به مانند این نوشته جانب انصاف را رعایت نموده و از محسنات دولت اصلاحات نیز به لطف خدا غافل نشویم.

در شماره‌های آتی با استعانت از خداوند، دیدگان شما را به گوشه‌های دیگری از خدمات و حسنات این دولت منور خواهیم نمود؛ ان شاءالله.

روح الله فاضل ( کامپیوتر ۹۱)



بیست و چهارم خرداد ماه مردم ایران بار دیگر به پای صندوق های رأی می روند تا هفتمین رییس جمهور اسلامی ایران را برای یازدهمین دوره انتخاب کنند. این روزها و در آستانه ی انتخابات مروری دیگر بار بر جایگاه ریاست جمهوری می تواند بسیار مفید و البته حائز اهمیت باشد. درک درست و تصویری واقعی از حدود اختیارات و وظایفی که رییس جمهور در چارچوب قانون اساسی دارد هم برای مردم و هم برای نامزدها ضروری است، از طرفی این جایگاه باید به درستی توسط مردم شناخته شود تا بتوانند فرد مناسب برای

تصاحب آن را انتخاب کنند؛ و از سوی دیگر نامزدهای انتخاباتی هم باید با درک کافی از حدود وظایف و اختیارات قانونی خود برنامه ها و شعارهای انتخاباتی خود را تنظیم کنند.

براساس اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی: «پس از مقام رهبری رییس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است...» به این ترتیب روشن است که رییس جمهور شخص دوم مملکت است و هم چنین براساس اصل صد و بیست و دوم قانون اساسی: «رییس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر «ملت» و «رهبر» و «مجلس شورای اسلامی» مسول است.»

در ادامه ی اصل یکصد و سیزدهم اما مسولیت «اجرای قانون اساسی» هم به عهده ی رییس جمهور گذاشته شده است. و این مسأله ایست که در طول تاریخ انقلاب اسلامی همواره دست مایه ی بحث و جدل های حقوقی و البته اغلب سیاسی شده است. به نظر می رسد این جمله متناسب با قانون اساسی پیشین (قبل از اصلاحیه ی ۱۳۶۹ و حذف پست نخست وزیری) و تعریف حدود اختیارات ریاست جمهور در آن قانون است. بر اساس اصل صد و سیزدهم سابق قانون اساسی (قبل از ۱۳۶۹) «تنظیم روابط قوای سه گانه» نیز بر عهده ی رییس جمهور قرار داشت، اختیاری که پس از اصلاحیه قانون اساسی

به رهبری منتقل شد. البته همان زمان هم بحث های مختلفی در رابطه با نحوه ی اجرای این بند در می گرفت. جالب است بدانید که اولین خطریه ی اجرای قانون اساسی در سال ۵۹ و توسط رییس جمهور بنی صدر به موسوی اردبیلی رییس شورای عالی قضایی وقت داده شده بود. که با توجه به وجهه ی رییس جمهور وقت و حواشی فراوانی که ایجاد کرده بود موجب برانگیختن حساسیت های فراوانی شد. هرچند لطف الله صافی - دبیر شورای نگهبان وقت - در پاسخ به استفساریه ی موسوی اردبیلی - رییس شورای عالی قضایی وقت - «اخطار» و «تذکر» را براساس اصل ۱۱۳ حق قانونی رییس جمهور دانسته بود. اما نظرشورای نگهبان قانون اساسی بعدتر و بعد از اصلاح قانون اساسی تغییر کرد، آن ها در جواب استفساریه های روسای جمهور بعدی «نظارت» بر اجرای قانون اساسی را غیر از «اجرا» ی آن تشخیص داده و وجود هرگونه تشکیلاتی برای این منظور را غیرقانونی اعلام کردند. با این وجود و با مخالفت آشکارشورای نگهبان همزمان با تشکیل دولت دوم خرداد «هیات نظارت بر اجرای قانون اساسی» تشکیل گردید و در سراسر دوران اصلاحات به عنوان یک ابزار سیاسی - تبلیغاتی برای فشار بر سایر قوا و نهادهای جمهوری اسلامی به کارگرفته شد. در آغاز دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد این هیات منحل شد، هرچند بعدها او نیز پا جای اصلاح طلبان گذاشت و با تشکیل مجدد هیات و تبدیل آن به معاونت ریاست جمهوری بر این

اقدام غیر قانونی اصرار ورزید. گفتنی ست با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است.» در ادامه ی اصل ۱۱۳ «ریاست قوه ی مجریه جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود» هم به عهده ی رییس جمهور گذاشته شده است. از این اصل هم مستفاد می شود که بالاترین مقام اجرایی مملکت رییس جمهور است. هم چنین توجه می کنید که به تصریح قانون اساسی ریاست قوه ی مجریه «مگر در مواردی که به رهبری مربوط

## تعریف جایگاه ریاست جمهوری:

### نظریه پرداز یا خادم ملت؟!؟!

محمد آزادی (عمران ۸۹)



هم چنین برخی دیگر از روسای جمهور کرسی ریاست جمهوری را با کرسی «نظریه پرداز» (!) اشتباه گرفته بودند. این موضوع خاصه در دوران حکومت اصلاح طلبان به اوج خود رسید، رییس جمهور از همان ابتدا و با طرح موضوعات بی ربطی هم چون «جامعه ی مدنی» و یا «گفتگوی تمدن ها» عملاً جایگاه ریاست جمهوری را به جایگاه تئوری پردازی تبدیل کرد

می شود» به عهده ی رییس جمهور است. بنا براین رییس جمهور حق ندارد براساس قانون بیش از اختیارات تعیین شده ی قانونی خود کاری انجام دهد. بهر حال این تعبیر «شخص دوم مملکت» و یا «مسول اجرای قانون اساسی» همواره و در طول تاریخ بعد از جنگ باعث سوءبرداشت اغلب روسای جمهور کشور شده است. به این ترتیب آن ها با دخالت در امور قوای دیگر و یا حتی عدم اجرای برخی قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی - به بهانه های مختلف - سعی بر به رسمیت شناخته شدن اختیارات بیشتری برای رییس جمهور داشته اند. مثلاً در اواخر دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی موضوع تمدید دوران ریاست ایشان و یا حتی مادام العمر کردن این جایگاه از سوی دولت مطرح شد. این موضوع و در دوران اصلاحات آن چنان اوج گرفت که محمد خاتمی - رییس جمهور وقت - در دور دوم رییس جمهوری خود با تقدیم لوایحی موسوم به «لویح دوقلو» به مجلس خواستار افزایش اختیارات رییس جمهور شد. در جمهوری اسلامی اصل «تفکیک قوا» و نیز اصل مترقی «ولایت فقیه» برای جلوگیری از دیکتاتوری و خودکامگی وضع شده اند. و حالا محمد خاتمی با اصرار بر تصویب لویح دوقلو و حمایت مجلس ششم از آن به سمت «خودکامگی» و «دیکتاتوری» در جایگاه ریاست جمهوری پیش می رفت. بدیهی بود این اقدام مورد پسند مردمی که سالها مبارزه کرده بودند تا از بند استکبار و خودکامگی حکومت ستم شاهی رهایی یابند اصلاً

خوشایند نبود. حقیقتی که کمی بعد تر و در پی اعتصاب نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم و با بی اعتنائی مردم به ایشان روشن شد. بهر حال رییس جمهور بر اساس سوگندی که در برابر قرآن و مردم می خورد متعهد می شود که «از هر گونه خودکامگی» پرهیز کند.

نکته ی دیگری که می باید مودتوجه قرار گیرد این است که بر اساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی قوای سه گانه ی جمهوری اسلامی مستقل از یکدیگر و تحت «ولایت مطلقه ی امر و امامت امت» می باشند. بنابراین براساس این اصل روسای قوا - و من جمله رییس جمهور - می باید پیرو «مقام رهبری» باشند. هم چنین براساس این اصل رییس جمهور حق دخالت در اموری که مرتبط با قوای دیگر است را ندارد.

بر اساس اصل صد و بیست و دوم قانون اساسی رییس جمهور در برابر قرآن کریم و مردم سوگند یاد می کند که خود را «وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور» کند. مردمی هم که به رییس جمهور رأی می دهند انتظاری جز این از وی ندارند. در حقیقت رییس جمهور - مطابق فرمایش امام راحل - شأنی جز «خدمتگذار مردم» ندارد. اما در طول سالهای پس از جنگ متأسفانه امر بر روسای جمهور ما مشتبه شده و کرسی ریاست جمهوری را با کرسی «حزب سازی (!)» اشتباه گرفته بودند. مروری بر احزاب «دولت ساز» شکل گرفته ی بعد از جنگ نشان می دهد روسای جمهور ما و خاصه در سالهای آخر حکومت خود بیشتر از این که به فکر «دردهای مردم» باشند؛ به دنبال تحزب و ادامه و استمرار قدرت و نفوذ خود از این طریق بودند. حزب «کارگزاران سازندگی» در دولت هاشمی رفسنجانی، «مشارکت» در دولت محمد خاتمی و جریان موسوم به «انحرافی» در دولت احمدی نژاد شکل گرفته اند. حکایت بامزه این جاست که این احزاب «دولت ساز» در هیچ یک از انتخابات هایی که شرکت کرده اند نتوانسته اند رأی و توجه مردم به خود را جلب کنند.

هم چنین برخی دیگر از روسای جمهور کرسی ریاست جمهوری را با کرسی «نظریه پرداز» (!) اشتباه گرفته بودند. این موضوع خاصه در دوران حکومت اصلاح طلبان به اوج خود رسید، رییس جمهور از همان ابتدا و با طرح موضوعات بی ربطی هم چون «جامعه ی مدنی» و یا «گفتگوی تمدن ها» عملاً جایگاه ریاست جمهوری را به جایگاه تئوری پردازی تبدیل کرد. مع الاسف این که احمدی نژاد هم بعد ها جا پای اصلاح طلبان گذاشت و با طرح مهملاتی هم چون «مکتب ایرانی» و یا موضوعاتی مرتبط به مقوله ی انتظار و مهدویت نشان داد امر بر او نیز مشتبه شده است!

در نهایت این که شاید «تعریف نادرست از جایگاه ریاست جمهوری» را بتوان به عنوان یکی از ضعف هایی که در اغلب روسای جمهور بعد از انقلاب وجود داشته برشمرد. مردم امید وارند رییس جمهور هفتم منتخب آن ها بر اساس سوگندی که می خورد پای بند و ملتزم به قانون اساسی باشد. نیــــز امید وارند هفتمین رییس جمهور منتخب آن ها به جای «نظریه پرداز» «حزب سازی» و «خودکامگی» قدری به دردها و مشکلات اقتصادی و معیشتی ایشان برسد و بر اساس سوگندی که می خورد خدمتگذار واقعی مردم «باشد».

## تحریم‌های فلج کننده (!) و حماسه‌ی اقتصادی

ابوالفضل عباسی (م شیمی ۸۹)



به کلیه‌ی شرایط کشور طراح شده است و خواهد شد، بنابراین در هر شرایطی، حتی زمانی که تحریمی وجود ندارد، جوابگوی نیازهای اقتصادی کشور است. البته اگرچه در طول زمان با توجه به تغییر شرایط، تغییراتی در کلیات آن حاصل می‌شود، اما اصول آن که بر پایه‌ی اسلام و شرایط کشور است، تغییر نمی‌کند، در نتیجه این اقتصاد، در هر زمان تأمین کننده‌ی اهداف ما در ارتباط با سایر اقتصادهاست و علی‌رغم این که سلطه‌پذیری را بر نمی‌تابد، تحت سلطه قرار دادن سایر کشورها و ملت‌ها را نیز رد می‌کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا در شرایط تحریم، می‌توان با الگوی اقتصاد مقاومتی به رشد اقتصادی و پیشرفت دست یافت؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید بدانیم که اقتصادهای دنیا به هم وابسته‌اند، هیچ کشوری نیست که از نظر اقتصادی کاملاً مستقل باشد و به دیگری وابستگی نداشته باشد. مثلاً مواد اولیه‌ی کالایی که در چین تولید می‌شود، در جایی دیگر تولید شده‌اند و در پایان نیز محصول نهایی به جایی دیگر صادر و در آن جا به مصرف می‌رسد. پس می‌توان نتیجه گرفت به همان اندازه که ما به غرب نیاز داریم، غرب هم به همان اندازه از نظر اقتصادی به ما وابسته است. اصلاً غرب سلطه را به همین خاطر می‌خواهد که چون به ما وابسته است، با سلطه می‌تواند این وابستگی را برطرف کند، چرا که کشورهای تحت سلطه‌ی وی، هم مواد اولیه‌ی موردنیاز صنعتش را تأمین خواهند کرد و هم بازاری وسیع برای کالاهای تولیدشده هستند که پول و لوازم لازم برای عیش و نوش سردمداران آن را فراهم خواهند نمود. بنابراین نباید این فکر در ذهنمان به وجود آید که تحریم فقط به ما آسیب می‌رساند و به نفع بقیه‌ی کشورهاست.

سپس باید به اصل مبادله در اقتصاد آگاهی داشته باشیم که می‌گوید: «مبادله وضع دو طرف را بهبود می‌بخشد». این اصل اثبات شده‌ی اقتصادی بیان می‌کند که سایر کشورها از اجرای تحریم‌ها آگراه دارند و برای بهتر شدن وضع خود هم که شده مایل به داشتن روابط اقتصادی با کشورمان هستند. نکته‌ی دیگری که باید در پاسخ به این سؤال به آن اشاره کنیم این است که هر کشوری، سعی می‌کند تا با استفاده از امکانات و منابع خدادادی خود، دست به تولید کالایی بزند که دیگران حاضر به خرید آن باشند و در اصطلاح کالایی را تولید می‌کند که در آن مزیت نسبی دارد. بنابراین ما قبل از این که به تولید دست بزنیم، باید ببینیم چه منابع و امکاناتی داریم که بقیه‌ی کشورها ندارند و به آن نیازمندند و سرمایه‌گذاری خود را به آن سمت و جهت ببریم. مطالب بیان شده، به این موضوع اشاره می‌کنند که ما در موضع ضعف نیستیم و نیازی به عقب‌نشینی نداریم، بلکه باید با تدوین و اجرای اقتصاد مقاومتی که محور اصلی آن تکیه بر توانمندی‌ها و امکانات داخلی است، به سامان‌دهی اقتصاد خود بپردازیم و این شرایط را به خوبی مدیریت نماییم. با الگوی اقتصادمقاومتی می‌توانیم تحریم‌ها را بی‌اثر کرده و به رشد اقتصادی مورد نظر دست یابیم. در این جا به عنوان نمونه یکی از نقاط مثبت اقتصادمان را بیان می‌کنیم

چندین قطعنامه علیه کشور ما صادر شد. عقب‌نشینی‌هایی که در آن زمان از حقوق ملت شده بود، نه تنها باعث نشد تا غربی‌ها از سیاست‌های خصمانه‌ی خود دست بردارند، بلکه باعث شد تا امید بیشتری به پیروزی در برابر ملت ایران پیدا کنند و جسورتر شوند. پس از سخنان قاطعانه و روشنگرانه‌ی امام خامنه‌ای مبنی بر عدم عقب‌نشینی از حقوق ملت و ایستادگی در برابر زورگویی‌ها و اتمام حجت ایشان با مسئولین سیاسی کشور و هم‌چنین تغییر دولت، سیاست خارجی ایران به جای تنش‌زدایی، به سمت بی‌اثر کردن تحریم‌ها پیش رفت. چرا که برای خود دولت‌مردان هم در آن زمان به تجربه اثبات شده بود که غرب قصد به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران را ندارد. در این زمان بود که این فشارها افزایش یافت و به جایی رسید که نهادهای اقتصادی کشور، از جمله بانک مرکزی مشمول این تحریم‌ها شد. شاید در آن زمان، سؤالی که ذهن همه را به خود مشغول کرده بود این بود که آیا کشوری که توانسته از شرایط هشت سال جنگ تحمیلی سربلند بیرون آید و در بدترین شرایط، بهترین مدیریت را ارائه دهد، با این تحریم‌های اقتصادی فلج خواهد شد به زانو در خواهد آمد؟ آیا این تحریم‌های بی‌سابقه خواهد توانست آرزوی دیرینه‌ی استکبار را در دوباره به سلطه درآوردن ملت‌ها محقق کند؟

راهکار جمهوری اسلامی ایران برای پاسخ به این سؤال‌ها، اقتصاد مقاومتی بود. تنها همین موضوع بود که دوباره نظام سلطه را ناامید کرد و وی را مجبور ساخت تا تلاش‌های دیگری را برای براندازی حکومت اسلامی در پیش گیرد و به جای براندازی نرم، عملاً رودررو وارد میدان نبرد شود و اقداماتی را مانند فتنه‌ی ۸۸ و به شهادت رساندن دانشمندان هسته‌ای و اخلاص‌های اقتصادی در داخل کشور انجام دهد. به شکر خدا هیچ کدام از این اقدامات، موفقیتی را برای غرب به دنبال نداشت و نه تنها آسیبی به ما وارد نکرد، بلکه باعث شد تا برخی در داخل که قبل از این، در خواب غفلت به سر می‌بردند و به دشمنی دشمنان شک داشتند، بیدار شوند و به یقین برسند. هم‌چنین این اقدامات باعث شد تا برخی از ضعف‌های داخلی شناسایی شود و برای رفع آن‌ها اقداماتی عملی صورت گیرد.

### اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم

در ابتدا به این سؤال می‌پردازیم که آیا اقتصاد مقاومتی فقط مربوط به دوران تحریم است و یا در شرایط عادی هم کارایی دارد؟ در پاسخ باید گفت که اقتصاد مقاومتی با توجه

آیا کشوری که توانسته از شرایط هشت سال جنگ تحمیلی سربلند بیرون آید و در بدترین شرایط، بهترین مدیریت را ارائه دهد، با این تحریم‌های اقتصادی فلج خواهد شد به زانو در خواهد آمد؟ آیا این تحریم‌های بی‌سابقه خواهد توانست آرزوی دیرینه‌ی استکبار را در دوباره به سلطه درآوردن ملت‌ها محقق کند؟

در شماره‌ی پیشین، به بررسی برخی کلیات پیرامون اقتصاد مقاومتی پرداختیم و توضیحاتی در مورد چیستی آن بیان کردیم. در این شماره، قصد داریم کمی جزئی‌تر به مسأله ورود پیدا کنیم و به بررسی یکی از مسائل پیش‌روی اقتصاد کشورمان، یعنی بحث تحریم‌ها بپردازیم. سپس راهکار اقتصاد مقاومتی برای حل این مسأله و بایدها و نبایدهای پیش‌روی دولت آینده در این زمینه را بیان می‌کنیم.

### جنگی سی و سه ساله

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تفکری جدید در عرصه‌ی بین‌المللی به وجود آمد. جهان که تا آن زمان محدود به دو ابرقدرت شرقی و غربی بود، با تفکری جدید روبه‌رو شد که هدف آن انسان‌سازی بود و نه انسان خدایی. در این وضعیت بسیاری از برنامه‌های نظام سلطه برای تسلط بر جهان به هم خورد و به همین دلیل دو ابرقدرت آن زمان، یعنی آمریکا و شوروی، علی‌رغم اختلاف‌نظرهای شدیدی که بر سر مسائل مختلف داشتند، بر سر مسأله‌ی ایران کاملاً هم‌سو عمل می‌نمودند. پس از فروپاشی شوروی هم غربی‌ها برای پیش‌گیری از قدرت گرفتن این تفکر جدید، انواع راه‌ها را به کار بردند. این تلاش‌ها را می‌توان در حمایت از صدام در حمله به ایران، حمایت از گروه‌های تروریستی مثل منافقین و گروهک مربوط به عبدالملک ریگی، در عرصه‌ی سیاسی در حمایت از ضدانقلاب‌ها و سیاسیون خودباخته مثل بنی صدر، در عرصه‌ی بین‌الملل در متهم کردن ایران به عدم رعایت حقوق بشر و حمایت از تروریست و ... مشاهده کرد. تازه‌ترین تلاش غرب برای متوقف کردن این حرکت را می‌توان در تحریم‌های اقتصادی مشاهده کرد، که اگرچه از پس از انقلاب وجود داشته است، اما به تازگی دست‌مایه‌ی تبلیغاتی و رسانه‌ای وی برای تخریب وجهه‌ی تفکر حکومت اسلامی شده است؛ و به جرئت می‌توان گفت که بیش‌تر از اثرات منفی اقتصادی، غرب به اثرات منفی آن در عرصه‌ی رسانه‌ای دل بسته است تا شاید از این طریق بتواند به زعم خود با ناتوان نشان دادن تفکر اسلامی در عرصه‌ی اقتصادی، این موضوع را به سایر زمینه‌ها نیز تعمیم داده و اساساً مکتب اسلام را در امر اداری جامعه ناتوان جلوه دهد.

باید به این نکته اشاره کرد که بهانه‌ی این تحریم‌ها بحث جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بود و ایران برای اعتمادسازی حتی برای مدتی کلیه فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورد، اما در همین حین،



## ادامه از صفحه ۲

این تناقض مضحک را می توان با توجه به روحیات غرب گرایانه این جماعت به راحتی تفسیر کرد؛ «بازی قدرت»! برای رسیدن به قدرت است که حتی از کشتن هموطنان نیز ابایی وجود ندارد، دروغ، تهمت، شانتاژ رسانه ای همه از لوازم این بازی کثیف است.

## جریان انحرافی

بر اساس آخرین خبر ها و تحلیل ها، جریان انحرافی در

بنابراین اصلاح طلبان در حال حاضر به یک اجماع نسبی رسیده اند که اگر تا روز انتخابات اتفاق خاصی در پیش نباشد، اسحاق جهانگیری را می توان گزینه اصلی اصلاح طلبان برای ورود به انتخابات دانست. این در حالی است که سناریوی تحت فشار گذاشتن نظام از طریق در بوق و کرنا کردن کاندیداتوری محمد خاتمی و پس از آن اجماع بر سر آقای هاشمی نیز محتمل است.

نیز حاکی از شانس بالاتر محمد رضا باهنر و سردار قالیباف نسبت به دیگران برای ورود به عرصه انتخابات است.

اما در بین جریان های سیاسی موجود جبهه پایداری با پایگاه عظیم نیروهای مذهبی در سراسر کشور، برخلاف اصولگرایان دیگر که نتایج نظرسنجی را حجت خود قرار داده بودند، از ماه ها قبل با بررسی اشخاص مختلف، آنها را با شاخص ها و معیار های مورد نظر خود نظیر ولایتمداری، کارآمدی و ... سنجید و از بین آنها دکتر جلیلی، لنکرانی و فتاح به عنوان گزینه های اصلی این جبهه برگزیده شدند و این جریان انتخاب نامزد خود را معطوف به توافق سه نفر مذکور نمود. در این بین، هر سه برخلاف دیگر کاندیداها، از پذیرفتن این بار سنگین امتناع می کردند. اما سرانجام دکتر لنکرانی که



## ادامه از صفحه ۵

بزرگ ترین نکته مثبت در اقتصاد ایران، به اعتراف دوستان و دشمنان، نیروی انسانی عظیم، تحصیل کرده، جوان و پرشور و نشاط است. مهم ترین منبع تولید هم در اقتصاد همین نیروی انسانی است. بنابراین باید مسئولین اقتصادی طوری طرح ریزی و سیاست گذاری نمایند که این نیروی انسانی عظیم، به سمت تولید هدایت شوند. در همین راستا، در چند سال گذشته برای کاهش بیکاری، نقدینگی زیادی به اقتصاد ایران تزریق شد و ثروت در روستاهای کشور که جایگاه اصلی تولید هستند، چند برابر گشت. این موضوع در کنار هدفمندی یارانه ها، یکی از نقاط مثبت در کارنامه اقتصادی دولت بود. اما چون این نقدینگی از راه درست به اقتصاد وارد نشد، بعضاً اثرات بد تورمی بر جای گذاشت و تولید تا حدی ضربه دید که نقطه ضعفی برای دولت محسوب می شود. از دیدگاه نگارنده، این نقدینگی می بایست از طریق نیروی جوان متخصص به اقتصاد وارد می شد تا نه تنها این اثرات را بر جای نمی گذاشت، بلکه باعث افزایش تولید می گشت. مثلاً دولت می توانست تسهیلات پرداختی برای بنگاه های زودبازده را به جای پرداخت مستقیم به کشاورزان، به مهندسی کشاورزی در زمینه کشت و آبیاری بپردازد و سپس آنها را با مشوق هایی مثل معافیت های مالیاتی به سمت روستاها هدایت کند تا زمینه رونق کشاورزی ایجاد گردد. بسیاری از مسائلی را که امروز در بازارهای میوه و تره بار می بینیم و این که مثلاً در یک سال پیاز گران است و فلان محصول ارزان، و یا در سال دیگر گوجه فرنگی ارزان است و سیب زمینی گران، از این موضوع نشأت می گیرد که قشر زحمتکش کشاورز، به طور تخصصی و کارشناسی اقدام به کاشت محصول نکرده و نیازهای بازار را در نظر نگرفته است. چرا که فقط از طرف دولت برای کاشت محصول، تسهیلات مالی دریافت کرده است، نه راهنمایی و نظر کارشناسی. به همین دلیل اقدام به کاشت محصولی کرده که پس از آن مجبور شده است تا محصول خود را با قیمت های پایین به دلال ها بفروشد تا ضرر نکند. این موضوع هم باعث می شود تا سود به جیب کسانی رود که در تولید هیچ زحمتی نکشیده اند و فقط در نقش دلال ظاهر شده اند

## اقتصاد مقاومتی و رییس جمهور آینده

شرایطی مشابه بر سایر بخش های اقتصاد کشور وجود دارد و هنوز تولید و صنعت، آن طور که باید و شاید با علم و دانشگاه گره نخورده است. امروز اقتصاد کشور، از طرفی با قشر عظیم تحصیل کرده های بیکار و از طرف دیگر با منابع و ثروت فراوان و از طرف دیگر با تحریم های بین المللی روبه روست. باید کاندیداها ریاست جمهوری در این زمینه، شعار و کلی گویی را کنار گذاشته و برنامه ای دقیق و مدون در چهارچوب اقتصاد مقاومتی ارائه دهند و به طور جزئی مشخص نمایند که چگونه از این نیروی متخصص استفاده خواهند نمود و چگونه با حفظ نقاط قوت دولت قبلی به برطرف کردن نقطه ضعف های آن خواهند پرداخت. این که رهبری معظم، بارها و بارها بر جهاد اقتصادی و حماسه ای اقتصادی تأکید کرده اند، به خاطر این موضوع است که امروز خط مقدم جنگ دشمن، همین زمینه اقتصادی است. به هر حال اقتصاد کشور با شرایطی حساس روبه روست که نیازمند دانش قوی برای مدیریت آن و ایمان و اعتقاد به این است که دشمن را راهی بر تسلط بر ما نیست. باید دانست که اگر امروز این شرایط در کشور ما وجود دارد، صرف نظر از این که عامل آن چیست و از کجا نشأت گرفته است، شرایطی گذراست و با ایمان و دانش و خلوص نیت می توان از آن با سربلندی عبور کرد و حماسه ای آفرید که در تاریخ به ثبت رسد، حماسه ای که محور آن اقتصاد مقاومتی است.

یکی از موفق ترین و خوشنام ترین وزرای دولت نهم بود، به عنوان نامزد اصلاح از سوی جبهه پایداری شناخته شد تا تکلیف یکی از قطب های اصلی انتخابات پیش رو نیز مشخص شود.

البته در این میان برخی تحلیل گران از احتمال ائتلاف آقایان جلیلی، زاکانی، فتاح و میرکاظمی خبر می دهند که البته با وجود فضای سیاسی کنونی، شاید نتوان این ائتلاف را محتمل دانست.

## مستقل ها

در بین نامزد های مستقل نام بار همیشه همراه انتخابات یعنی محسن رضایی به عنوان سرشناس ترین چهره کاندیداها مستقل خود نمایی می کند. از احساس تکلیف کرده های مستقل این دوره نیز میتوان به حسن سبحانی، سعیدی کیا و برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اشاره کرد.

این نکته نیز قابل ذکر است که در انتخابات ادوار ریاست جمهوری هیچ گاه نامزدهای مستقل نتوانسته اند در جلب آرای مردم موفق باشند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که لیست کاندیداها احتمالی انتخابات یازدهم را شاید بتوان در حد یک طومار تصور کرد. بنابراین مجال نام بردن و انتفاع از افاضات همه آنها قطعاً در این مجال نمی گنجید.

۱) البته برخی تحلیل گران نیز معتقدند حضور حسن روحانی در انتخابات صرفاً یک بازی سیاسی برای مشغول کردن اذهان است و حجت الاسلام هاشمی خود را برای ورود به انتخابات آماده کرده است و قطعاً با این حضور، برخی از کاندیداها از جمله حسن روحانی به نفع او از انتخابات ریاست جمهوری کناره خواهند گرفت.

این دوره از انتخابات، گزینه حداکثری خود را برای ورود به انتخابات آماده کرده است. این فرد که از سال ها قبل با مطرح کردن مسائل گوناگون مانند دوستی با مردم اسرائیل، مکتب ایرانی، پایان دوره اسلامگرایی و طرح مبانی پلورالیسم و اومانیسیم و ... انحراف خود را از گفتمان انقلاب اسلامی مشخص کرده است، قصد دارد با وجود مشهود بودن رد صلاحیت، شورای نگهبان را در منگنه قرار دهد و با فشار مضاعف به حاکمیت فتنه جدیدی به پا کند.

نزدیکی جریان انحرافی و عوامل فتنه سبز در ماه های اخیر نیز مؤید همین نکته است. شاهد مثال این نزدیکی هم استخدام یکی از فعالان جنبش سبز (ایمان ملکا) در روزنامه ارگان دولت (روزنامه ایران) و یا تحلیل های اخیر صادق زیبا کلام (یکی از نظریه پردازان اصلاح طلب) است که به یکی از حامیان رحیم مشایی تبدیل شده است و ...

## اصولگرایان

قطعاً چالش بزرگ اصولگرایان در انتخابات پیش رو بحث تعدد کاندیداهاست. از طرفی پایگاه اجتماعی قوی اصولگرایان در بین اقشار جامعه و از طرف دیگر تقسیم آرا به دلیل وجود نامزد های مختلف، وضعیت اصولگرایان را از دیگر جریان سیاسی پیچیده تر کرده است.

در بین اصولگرایان، شهردار تهران که از ۸ سال پیش، سودای ریاست جمهوری در سر دارد، ائتلاف با دو چهره موجه اصولگرا یعنی آقایان حداد عادل و ولایتی را پذیرفت تا شاید این را بتوان ناهمگون ترین خبر انتخابات ریاست جمهوری یازدهم دانست. از سوی دیگر ۵ چهره دیگر اصولگرا یعنی آقایان باهنر، ابوترابی، پورمحمدی، منکی و آل اسحاق با ائتلافی موسوم به اکثریت اصولگرایان (۳+۲) دومین ائتلاف موجود در انتخابات را به وجود آوردند. نکته مشترک این دو ائتلاف را می توان واگذاری انتخاب نامزد مورد نظر به نتایج نظرسنجی های مختلف (و البته بعضاً نامعتبر) دانست. آخرین خبر ها از این دو ائتلاف

جملات کلیدی حضرت علامه مصباح یزدی در همایش جبهه پایداری



- شما موظف هستید که اگر فرد صالحی غیر از فرد منتخب این گروه را پیدا کردید به او رأی بدهید چون شرعاً باید این کار را بکنید.  
- البته اگر کسی فرد دیگری را بهتر از خودش می‌داند و اصلاح می‌داند، اگر کاندیدا شود خیانت کرده است ولو اینکه همه مردم از او بخواهند کاندیدا شود.  
- انسانی که برای دین مردم و سعادت آنها خدمت می‌کند، خدمتش نامتناهی است اما کسی که برای دنیای افراد خدمت می‌کند خدمتش متناهی است.

آیتا... نوری  
همدانی: از هیچ  
کاندیدایی حمایت  
نکرده‌ام



حضرت آیت الله نوری همدانی تاکید کرد که در سخنرانی‌های خود تنها به بیان ملاک‌های رییس جمهور آینده پرداخته و از هیچ شخصی حمایت نکرده است.

کامران باقری لنکرانی: با وجود کاندیداهای  
فعلی تردیدی برای ماندن ندارم



لنکرانی بر این اساس که اگر کسی خود را اصلاح می‌داند باید صحنه بیاید می‌گوید: اگر کاندیداهای دیگری به صحنه بیایند که اصلاح از من باشند، کنار می‌روم اما در حال حاضر با وجود کاندیداهای فعلی تردیدی برای ماندن در صحنه انتخابات ندارم.

کاندیدای جبهه پایداری محوری‌ترین برنامه برای دولت یازدهم را عدالت می‌داند و عنوان می‌کند: عدالت یک هدف میانه و ترویج مبانی اسلامی در حکومت دینی هدف اصلی است

فقط قربان صدقه‌ها به ذهنمان مانده بقیه حرف‌ها را  
نشنیدیم!



مدیحه نویسی و ستایشگری بی وقفه نسبت به هاشمی رفسنجانی در وب سایت رسمی وی با غلظت تمام ادامه دارد.

همکار این سایت با اشاره به یکی از ملاقات‌های هفته گذشته هاشمی می‌نویسد: از خود می‌پرسم این پیر سیاست و این روحانی

متفاوت [!] با خود چه گنجی دارد که تمام نمی‌شود... گزارشگر این ملاقات با بیان اینکه هاشمی در حماسه دوم خرداد سهیم است و حماسه ای نمی‌شناسم که هاشمی در آن سهمی نداشته باشد نوشت: از جمع آنها جدا می‌شوم. راه خودم را می‌گیرم و می‌روم. از خودم می‌پرسم این پیر سیاست و این روحانی متفاوت با خود چه گنجی دارد که تمام نمی‌شود؟

تاج زاده: مشایبی باید تایید صلاحیت شود!



هرچه زمان سپری می‌شود هم پوشانی و هم داستانی طیفی از فتنه گران با حلقه انحرافی پرنرگ تر می‌شود. در یکی از تازه ترین نمونه‌ها از این روند مصطفی تاج زاده

نوشته‌ای به بیرون زندان ارسال کرده که در رسانه‌های ضد انقلاب منتشر شده و ضمن اینکه ادعا می‌کند ماه پیش رو ماه راستی آزمایی حاکمیت است، از صلاحیت مشایبی دفاع کرده است. اما درباره راستی آزمایی مورد نظر آقای تاج زاده باید تصریح کرد حقوق قانونی صرفاً متوجه افراد و گروه‌هایی است که حدود قانونی را محترم شمرده و اصرار بر قانون شکنی و نقض حقوق عمومی نداشته باشند.

حداد عادل: با قالیباف اختلاف مبانی نداریم

حدادعادل در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چه سنخیتی بین شما و قالیباف را نمایان می‌کند و اینکه آیا با نظرات دیگران موافق هستید

یا اگر ولایتی و قالیباف کاندیدا شوند و بر عکس از یکدیگر حمایت خواهید کرد؟ گفت: اینکه ما سه نفر مثل هم نیستیم شک نکنید و هر یک روش خود را داریم. وی ادامه داد: اینکه هر سه به میدان بیاییم و هر کدام چند میلیون رای داشته باشیم و در نهایت هیچکدام انتخاب نشویم بهتر است یا اینکه دو نفر کنار برویم و یکی رای بیاورد.  
حدادعادل در ادامه سخنان خود اظهار داشت: ما با قالیباف اختلاف مبانی نداریم؛ وی سابقه حضور در جبهه را دارد و در فتنه نیز شاهد بودیم که اصلاح‌طلبان قالیباف را احضار کردند اما وی در آن جو سنگین از مواضع نظام دفاع کرد.



از کی تا حالا؟



محمد رضا باهنر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در جمع طیفی از اصولگرایان شیراز گفت: با یک تار موی خانم‌ها مشکل نداریم، با چندتار موی خانم‌ها هم مشکل نداریم، با بیش از صدتار موی خانم‌ها هم مشکل نداریم مشروط به اینکه به ناهنجاری نرسند و حد آن را عرف تعیین می‌کنند! البته ایشان که نماینده‌ی هفت دوره‌ی مجلس شورای اسلامی بوده است توضیح نمی‌دهد که از چه زمانی حدود حجاب را «عرف» تعیین می‌کند؟ آیا از زمانی که ایشان قصد ریاست جمهوری کرد؟

عارف در جمع دانشجویان دانشگاه:

انتخابات ۸۸ با تخلف و  
بدون قلب برگزار شد



محمد رضا عارف در نشست پرسش و پاسخ دانشجویی با موضوع ایران فرارو در محل

دانشکده علوم اداری دانشگاه فردوسی مشهد اظهار کرد: رشد و توسعه نوار مرزی و نگاه ویژه به مناطق محروم از اولویت‌های کاری بنده است.

کاندیدای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با تاکید بر

پنکه در انتخابات ۸۸ تخلف صورت گرفته یادآور شد: من اعتقاد دارم در انتخابات ۸۸ تخلف صورت گرفته نه قلب.

علیرضا زاکانی: در صورت حضور هاشمی سرنوشت سال ۸۴ در  
انتظار اوست



کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم گفت: رئیس‌جمهور باید به جای تبلیغ در ماه‌های آخر دوره ریاست جمهوری خود به رفع مشکلات معیشتی مردم و سامان دادن به اقتصاد کشور بپردازد.

علی اکبر ولایتی: خیلی از  
نظر سنجی‌ها معتبر نیست



عضو ائتلاف پیشرفت گفت: نظر خواص مانند مراجع سیاسی و علما و دیدگاه‌های مستقیم و غیرمستقیم علمایی که مورد رجوع مردم هستند، قطعاً در تصمیم‌گیری‌ها اثر دارد.

کواکبان: با اصلاح‌طلبان در آن  
سوی آب‌ها مخالفیم



دبیرکل حزب مردم‌سالاری و کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری گفت: ما هم خودمان را اصولگرا می‌دانیم اما جزو جبهه اصولگرایان نیستیم بلکه بر اساس مبانی، این حرف را می‌زنیم.